

گزارش دروغ‌پراکنی‌های روسیه در ایران

مارچین کژی ژانوفسکی

دروغ‌پراکنی‌های روسیه در ایران

پروژه‌ای که از بودجه دولتی تأمین مالی شده است، در چارچوب مسابقه وزیر امور خارجه جمهوری لهستان تحت عنوان «دیپلماسی عمومی ۲۰۲۴-۲۰۲۵ - بُعد اروپایی و مقابله با اطلاعات نادرست» اجرا می‌شود.

این انتشار صرفاً بیانگر دیدگاه‌های نویسنده است و نمی‌توان آن را با موضع رسمی وزارت امور خارجه جمهوری لهستان یکسان دانست.

کارشناس مؤسسه تحقیقات ترکیه

(CISAD) خاورشناس، کارآفرین، و دیپلمات سابق. از سال ۲۰۱۸ مدرس در مرکز مطالعات میان‌فرهنگی دانشگاه یاگیلونیا بین سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۱ کنسول جمهوری (Warsaw Institute) و از سال ۲۰۲۰ کارشناس در مؤسسه ورشو (UJ) لهستان در کابل و رئیس بخش سیاسی-اقتصادی سفارت جمهوری لهستان در کابل بوده است. در سال‌های ۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸ مدرس زبان لهستانی در دانشگاه تهران.

1. پردازش

دروغ‌پراکنی (ضد اطلاعات) آنگونه که در گزارش پیش‌رو مفروض واقع شده عبارت است از انتشار تعمدی اخبار نادرست یا فریب‌کارانه به قصد به اشتباه انداختن و یا گمراهی مخاطبان و پیشبرد برنامه‌های سیاسی خود. کارزار دروغ‌پراکنی روسیه که مسئول این "نبرد اطلاعاتی" است، چالش عظیمی را در برابر جوامع امروزی غربی و رویکرد و سیاست‌های غربی‌ها در خاورمیانه نهاده است. فعالیت‌های این کارزار به طور خاص توسط واحدهای تخصصی سرویس‌های اطلاعاتی روسیه و نیز رسانه‌های روسی و حامیان آنها (Zadrozny, 2024) با هدف تأثیرگذاری بر نظرات عمومی، ناآرامی در شرایط سیاسی کشورهای مختلف و همچنین برهم‌زدن اعتماد شهروندان عادی به نظام دموکراتیک حاکم بر کشورهایشان صورت می‌گیرد. نکته‌ی حائز اهمیت این است که نبرد اطلاعاتی روس‌ها صرفاً به دوران

جنگ نرم و یا حتی فاز آغازین جنگ سخت محدود نمی‌شود. هدف این نبرد آماده‌سازی اطلاعاتی از بستر جنگ است، از جمله تحریک نیروهای نظامی و غیرنظامی خودی و وابسته و در عین حال تضعیف روحیه‌ی شهروندان جناح‌های مخالف. برخلاف سایر روش‌های مبارزاتی، سیستم مقابله‌ی اطلاعاتی روسیه دائماً در حال فعالیت بوده و هست و حتی در زمان صلح نیز به قوت خود باقی ماند.

روسیه از انتشار اخبار نادرست به مثابه‌ی ابزاری مهم در سیاست خارجی خود و بخصوص در جنگ هیبریدی بهره می‌برد. این اصل در مقاله‌ی حاضر با حفظ توجه بر پیوند میان فعالیت‌های نظامی، اقتصادی، سیاسی و اطلاعاتی با هدف پیشبرد مقاصد خود در نبردهای متعدد تعریف می‌شود. بهره‌گیری دقیق و ماهرانه از این ابزار روسیه را قادر می‌سازد تا ضمن پرهیز از ورود به جنگی تمام‌عیار به اهداف استراتژیک خود دست یابد. در این بین دروغ‌پراکنی نقشی اساسی را ایفا می‌کند، چرا که منجر به ایجاد ناآرامی و اعتمادگریزی در اوضاع داخلی طرف مقابل خود می‌شود. دروغ‌پراکنی این امکان را به مسکو می‌دهد تا در "فضای خاکستری" میان جنگ و صلح اهداف خود را پی بگیرد، که همین موضوع چالشی بزرگ را پیش روی سازوکارهای سنتی امنیت بین‌الملل قرار می‌دهد. (Alander, 2024)

یکی از اساسی‌ترین وجوه استراتژی دروغ‌پراکنی روس‌ها ارائه و نشر مطالبی است که به ظاهر قابل باور و در اغلب موارد حتی مبتنی بر فکت‌ها و مستندات هستند اما در واقع به شکلی ماهرانه دستکاری شده‌اند. برای مثال می‌توان به نشر اطلاعات نادرستی در رابطه با تهدیدات برآمده از سوی جوامع محلی، از جمله داستان "جنايات ملی‌گرایان اوکراینی" در طول جنگ اوکراین اشاره کرد. انتشار چنین اخباری نه تنها با هدف ارعاب و بدبینی مخاطبان نسبت به مردمان دشمن خود، که همچنین به قصد تشدید اختلافات درونی در موضوع جنگ

اوکراین در میان جوامع غربی را نیز در خود دارد. مکانیزم دیگری که در این زمینه به کار گرفته می‌شود، سود جستن از شبکه‌های اجتماعی و نشر سیلی از اخبار تکان‌دهنده اما نادرست و نیز برپایی مناظرات و مباحثات جعلی برای مخاطبان حاضر در این فضا است. حساب‌های جعلی، یا به اصطلاح ترؤل‌های متعلق به روسیه نقشی مهم در این دروغ‌پراکنی‌ها در سطح جهانی ایفا می‌کنند. بسیاری اوقات این حساب‌ها به شکلی هنرمندانه در زیر نقاب اشخاصی حقیقی فعالیت می‌کنند که همین امر باعث جلب اعتماد دیگر مشترکان این شبکه‌ها می‌شود. روس‌ها به همین شیوه توانستند نقش مؤثری در انتخابات سال‌های 2016، 2020 و 2024 ایالات متحده و همچنین همه‌پرسی خروج انگلیس از اتحادیه‌ی اروپا موسوم به برگزیت داشته باشند. (Colliert، 2024 و De Luce)

تهدیدات ناشی از دروغ‌پراکنی‌های روسیه چندلایه هستند. پیش از همه اعتماد عمومی جامعه را از نظام‌های دموکراتیک خود برهم می‌زنند و پایه‌های دموکراتیک کشورهای مختلف را با زیرسؤال بردن شیوه و نتایج انتخابات به لرزه می‌اندازند. دروغ‌پراکنی‌ها چنان آشوبی در فضای اطلاعاتی کشورها بر پا می‌کنند که رأی‌دهندگان دیگر قادر به راستی آزمایی و تشخیص راست و غلط در میان اخبار نیستند. این مسئله به راحتی ممکن است حتی به ایجاد صفت‌بندی‌های جدید و چند قطبی‌کردن فضا و نیز به راختن نزاع و جدال‌های بزرگی در فضای داخلی کشورها شود. با این حال، یکی از خطرناک‌ترین وجوه دروغ‌پراکنی صدماتی است که به امنیت بین‌الملل وارد می‌شود. نشر اکاذیب می‌تواند منجر به بی‌تفاوتی و عدم واکنش شهروندان کشورهای مختلف نسبت به تهدیدات بین‌الملل و از جمله حملات نظامی کشورهای دیگر شود. برای مثال می‌توان به تلاش‌ها برای مشروعیت‌بخشی به حمله‌ی نظامی روسیه به خاک اوکراین تحت لوای توجیهاتی همچون "تهدید ناتو" یا فساد و یا قصد و برنامه‌ی اوکراینی‌ها به منظور حمله به تکر کارلسون اشاره کرد (Zadrozny, 2024)

دروغ‌پراکنی‌های روسیه یکی از ابزارهای کلیدی در پیشبرد جنگ هیبریدی است که به قصد ایجاد ناآرامی، سست کردن پایه‌های دموکراسی و تأثیرگذاری بر نظرات عمومی جوامع دیگر صورت می‌گیرد. از همین رو گزارش‌ها و مقالات مختلفی که به شیوه‌های دروغ‌پراکنی روس‌ها می‌پردازند، از جمله مقاله‌ی حاضر، از اهمیت زیادی در جهت شناخت و درک سازوکارهای این مفهوم و اهداف آن برخوردار هستند. هدف چنین مقالاتی پیش از همه شناسایی منابع و شیوه‌های دروغ‌پراکنی، میزان اثربخشی آن بر شهروندان عادی و سیاستمداران و نیز راه‌های مقابله با آن است. هدف دیگر این مقالات نیز آگاهی‌بخشی بیشتر به جامعه در مورد ضرورت آشنایی با چنین مکانیزمی و لزوم جدی گرفتن تهدیدات ناشی از انتشار اخبار جهت‌دار است. این مقالات بر آنند تا مقاصد روس‌ها برای بهره‌گیری از فضای دیجیتال و شبکه‌های اجتماعی به منظور گسترش سیاست‌های خود را بر ملا کنند. در نهایت، هدف غایی این مقالات ارائه‌ی ابزاری است به تصمیم‌گیرندگان سیاسی و سازمان‌های بین‌المللی به منظور طرح سازوکاری مفید و مؤثر برای مقابله با فعالیت‌های اطلاعاتی روسیه.

2. پس‌زمینه‌ی نظری

استراتژی اطلاعاتی روسیه در ایران

سیاست، خاصه استراتژی دروغ‌پراکنی روسیه در خاورمیانه از خودِ خاورمیانه هم وسیع‌تر است. این استراتژی صرفاً به دریافت و شناخت وقایع مربوط نمی‌شود، بلکه بخشی است از استراتژی کلی دروغ‌پراکنی روس‌ها در سطح جهان. اساس این استراتژی

بر معرفی غرب به مثابه‌ی قدرتی رو به افول، با اخلاقیات منحنی و در عین حال به عنوان قدرت‌هایی استثمارگر که به طرزی بی‌رحمانه مشغول غارت ثروت و اموال جوامع دیگرند بنا شده است. از آنجایی که حاکمان ایران نیز رویکردی غرب‌ستیزانه دارند (Krzyżanowski, 2023 US)، سازوکار اطلاعاتی مشابهی با روسیه اتخاذ کرده‌اند و نیز با توجه به ذات تمامیت‌گرایانه‌ی رژیم ایران که اغلب این حکومت را در برابر مردمان خود قرار می‌دهد، سخت است اگر بخواهیم استراتژی دروغ‌پراکنی علیه رژیم ایران را از سوی روسیه متصور شویم. بالعکس، حاکمان روسیه و ایران در نوعی همکاری به منظور نسر اطلاعات نادرست علیه غرب و اپوزیسیون خود با یکدیگر به سر می‌برند. این همکاری گاهی هدفمند و برنامه‌ریزی شده است و گاهی نیز به شکلی خودجوش در راستای منافع همدیگر برقرار می‌شود. نکته‌ی مهم فعالیت‌های اطلاعاتی روسیه و رابطه‌ی آن با ایران آن است که دروغ‌پراکنی‌های روس‌ها بیشتر بر جهان عرب متمرکز شده است. مسئله این است که به واسطه‌ی نزدیکی کشورهای عرب به غرب، روسیه دسترسی به مراتب کمتری به این کشورها دارد تا به ایران. به همین جهت هم هست که تلاش‌های دروغ‌پراکنانه‌ی روس‌ها در رسانه‌های خود نسبت به ایران (به زبان فارسی) بسیار کم‌رنگ‌تر است تا نسبت به اعراب. بعلاوه باید توجه داشت که در کشورهایی همچون روسیه و ایران به دلیل عدم دسترسی نیروهای مخالف و اپوزیسیون به رسانه تقابل اصلی در شبکه‌های مجازی صورت می‌گیرد. مشترکان عادی‌ای که از سرویس‌های منتسب به کشورهای غیردموکراتیک استفاده می‌کنند اصولاً با مقوله‌ی "فیک نیوز" یا اخبار نادرست برخوردی ندارند. آنچه در چنین فضاهایی رخ می‌دهد صرفاً تلاش مستمری است برای مشروعیت‌زدایی از مخالفان حکومت. (Dehghan, Glazunova, 2021)

روایت‌آشنایی که می‌کوشد غرب را به مثابه‌ی استثمارگرانی بی‌رحم معرفی کند و در نقطه‌ی مقابل روسیه را همچون آلترناتیوی برای رویارویی با این هژمونی آمریکایی جا بزند خاصه

پس از بازگشت ولادیمیر پوتین به قدرت در سال 2012 شدت گرفت. سیاست روسیه در خاورمیانه، و بخصوص در قبال ایران، به واقع بخشی است از سیاست کلی این کشور در ایجاد نظم نوین جهانی، که با هدف محافظت از روسیه در برابر دخالت‌های غرب در امور داخلی این کشور و نیز حفظ ابرقدرتی روسیه در کنار آمریکا صورت می‌گیرد. در عمل سیاست خاورمیانه‌ای روسیه بیانگر استراتژی جهانی کرملین در این منطقه در برابر سیاست‌های واشنگتن است. روسیه در خاورمیانه به دنبال ایجاد نسخه‌ای است که به ادعای خود بهترین مدل نظم جهانی است، و این عبارت است از هم‌آرایی قدرت‌ها، از جمله ایران و ترکیه، و نیز آمریکا مشروط بر آنکه به همکاری با روسیه در شرایط برابر ابراز تمایل کند.

(Nocetti, 2019)

استراتژی (ضد)اطلاعاتی روسیه در ایران و بطور گسترده‌تر در خاورمیانه ابزاری است برای قدرت بخشی و اعتمادسازی چهره‌ی این کشور در منطقه و نیز معرفی خود به عنوان قدرتی در حال ظهور و تعیین‌کننده در صحنه‌ی بین‌الملل که داعیه‌ی ابرقدرتی جهانی هم‌تراز با ایالات متحده را دارد. با توجه به این اهداف، سیاست اطلاعاتی روسیه در ایران از سه لایه تشکیل شده است: کشوری، منطقه‌ای و جهانی. رشته‌ی مهم این سه لایه مسئله‌ی سوریه است، جایی که روسیه در کنار ایران دست به همکاری‌های وسیعی به منظور حفظ قدرت بشار اسد زدند. به طور خاص، در اخباری که رسانه‌های دولتی روسیه در مورد وضعیت سوریه محابره می‌کردند دو هدف دنبال می‌شد: در داخل کشور هدف توجیه سیاست‌های کرملین در برابر سوریه است. در سطح بین‌الملل نیز انتشار روایت روس‌ها از شرایط منطقه و معرفی روسیه به عنوان جایگزینی امن برای غربی‌هاست (Nocetti, 2019). نگاهی به روایت‌های منتشرشده در بخش فارسی ریا نووستی و یا حساب‌های حامی روسیه در شبکه‌ی ایکس نسخه‌ی متفاوتی از وضعیت سوریه را نشان می‌دهد که بر طبق آن نیروهای روسیه و ایران در برابر فعالیت‌های ویران‌بار آمریکایی‌ها در سوریه مقاومت کرده‌اند. در حقیقت تا آنجایی که

مربوط به وارونه و یا متفاوت جلوه دادن روایت غربی‌ها از اوضاع سوریه می‌شود دستگاه تبلیغاتی روسیه و ایران به شکلی مشابه هم عمل می‌کنند. شاید بتوان تنها یک وجه تمایز در روایت روس‌ها و ایرانی‌ها پیدا کرد و آن رویکرد این دو به وجه دینی شرایط حاکم بر سوریه است، جایی که روس‌ها از دفاع از مسیحیان سوریه در برابر اسلامگرایان جهادی صحبت به میان می‌آورند و ایرانی‌ها به دفاع از اماکن مقدس شیعیان در سوریه تأکید می‌کنند.

روس‌ها و ایرانی‌ها در رابطه با موضوع سوریه و روایت‌های گوناگون منتشرشده از این کشور به این نکته اشاره می‌کنند که تفاوت روایات در واقع ناشی از تفاوت رویکردهاست و هر دو روایت از ارزش یکسانی برخوردارند. اما به هر تقدیر اصل روایت همان است که روس‌ها منتشر می‌کنند: جنگ در سوریه تنها با توجیه ضدانقلاب رژیم بشار اسد در برابر اپوزیسیون رادیکال و افراطی‌ای فهم می‌شود که بخش زیادی از آن را تروریست‌ها تشکیل داده‌اند و از خارج از کشور حمایت مالی و تسلیحاتی می‌شوند تا به مقابله با رژیم بشار اسد بروند. ارتش سوریه به عنوان نیرویی مردم‌دوست معرفی می‌شود که برقرارکننده‌ی آرامش و امنیت در این کشور است، در حالی که از مخالفین به عنوان اسلامگرایان افراطی و یا نیروهای که مقاصد شوم خود را پشت نقاب دموکراسی‌خواهی پنهان کرده‌اند تا بتوانند غربی‌ها را فریب دهند و نظر موافق آنها را در حمایت از خود جلب کنند یاد می‌شود. روایات متعددی نیز در رسانه‌های تلویزیونی و اینترنتی وجود دارند که بر آنند تا ایده‌ی سوریه‌ی لاییک را مطرح کنند، لاییک بخصوص به معنای منطقه‌ای امن در برابر جهادی‌ها.

به طور کلی، استراتژی اطلاعاتی روسیه در ایران بر تقویت منافع روسیه در این کشور تمرکز دارد که آن را در جعل واقعیات و تکیه بر منافع مشترک دو کشور و به‌ویژه با تأکید بر تمایلات ضدغربی دو طرف می‌جوید. دروغ‌پراکنی در اینجا نقشی کلیدی بر ایجاد و تحکیم هم‌پیمانی با اهداف مشترک ژئوپولیتیکی مانند ایستادگی در برابر تحریم‌های آمریکا و یا

اعمال نفوذ در سیاست‌های کشورهای منطقه و تغییر آن به سمت و سوی دلخواه مسکو و تهران ایفا می‌کند. سیستم تبلیغاتی روسیه در ایران بیش از همه بر تعمیق آمریکاهراسی و تقویت ایده‌ی افول غرب و نیز مشروعیت‌بخشی به حضور روسیه در صحنه‌ی سیاسی ایران به مثابه‌ی شریکی استراتژیک تمرکز دارد. رسانه‌هایی همچون اسپوتنیک و یا آر تی که برای مخاطبان محلی تولید مطلب می‌کنند مجدانه بر مواردی چون تهدیدات مشترک، از جمله "فعالیت‌های امپریالیستی" ایالات متحده متمرکز هستند.

3. وضعیت سیاسی و رسانه‌ای در کشور مورد مطالعه

● پس‌زمینه‌ی سیاسی

رفتار کنونی دولت‌ها حاصل تاریخ پرفرازونشیب سیاسی ایران و روحیه‌ی و فضای انقلابی در کنار جوشش مذهبی از یک سو و نیز درک فلسفی از سوی دیگر است. از نقطه نظر ایدئولوژیک بنا بر مفهوم ولایت فقیه پیش‌کشیده شده توسط آیت‌اله خمینی و نیز بازنویسی قانون اساسی در سال 1979 نظام سیاسی ایران جمهوری اسلامی است که هرچند دولت انتخابی در نقش قوه‌ی مجریه‌ی آن است اما تمام مسائل حیاتی و مهم کشور با دستور رهبری رفع و رجوع می‌شود. شکل‌دهی چنین نظامی در واقع تلاشی بوده در جهت ایجاد پیوندی میان عناصر دینی و فقهی با اصل دموکراسی در حکومت‌رانی. در این نظام چنین فرض شده که قدرت رهبری با قدرت ریاست جمهوری و مجلس که هر دو بطور مستقیم از سوی مردم برگزیده می‌شوند متعادل شود. کلیه‌ی تصمیمات و رسیدگی به امور جاری و نیز آنی کشور بنا بر قانون اساسی و گروهی از روحانیون بلندمرتبه و نیز دستگاه‌های حکومتی رده‌بالایی که اعضایش را نزدیکان به حلقه‌ی قدرت تشکیل می‌دهند بررسی می‌کنند. در این بین برخی سیاستمداران حکومتی نقشی به مراتب پررنگ‌تر و مهم‌تر از سمت و جایگاه رسمی خود

دارند. شرایط سیاسی در ایران تا حد بسیار زیادی به جبهه‌بندی‌های غیررسمی و میزان ارتباط افراد با سیاسیون کهنه‌کار رده‌بالا، روحانیون و همچنین سرمایه‌داران کلان وابسته است. اما این بدان معنا نیست که نظر عموم مردم جامعه تأثیری در سیاست‌گذاری‌های کشور ندارد. شکل اعمال قدرت دو رهبر پیشینش و کنونی جمهوری اسلامی نشانگر نوعی تلاش برای برقراری تعادل میان خواسته‌های اقشار مردم با سیاست‌های کلان کشور است، هرچند بدیهی است که اصل و اساس عملکرد هر دو رهبر تأکید و تقویت اصول تشیع در حکمرانی کشور بوده و هست. بخصوص در مورد خامنه‌ای می‌توان بر نقش او برای تثبیت جایگاه رهبری اشاره‌ی بیشتری کرد، چرا که میزان محبوبیت و کاریزمای او در مقایسه با خمینی به مراتب پایین‌تر بوده است. جایگاه او همزمان از سوی مذهب معین شده و در عین حال توسط همان مذهب نیز از محدودیت‌های خاصی برخوردار است. به رغم آنکه بالاترین جایگاه مذهبی و سیاسی از آن اوست اما همچنان برای حفظ مشروعیت و قدرت خود نیازمند تأیید دیگر روحانان بلندمرتبه‌ی شیعه نیز هست. با اینهمه بواسطه‌ی اختیارات و افری که بخصوص در مورد انتصاب اشخاص کلیدی همچون رییس قوه‌ی قضائیه دارد و یا فرماندهی کل قوای نظامی و انتظامی کشور همیشه امکان دفاع از حریم خود در برابر بحران‌های احتمالی را داراست. حوزه‌ی قدرت رهبری همچنین بواسطه‌ی اختیارات او در جهت تعیین و تکلیف سمت‌های مهم کشوری در استان‌ها گسترده‌تر هم می‌شود. این اشخاص انتصابی، همچون امامان جمعه، امکان حضور و تأثیرگذاری در تصمیم‌گیری‌های کلان شهری و استانی را دارند و گزاف نیست اگر گفته شود که گاهی قدرت و نفوذ آنان بر این تصمیم‌گیری‌ها حتی از وزرای کابینه‌ی دولت نیز بیشتر است.

ساختار هیبریدی نظام و ریشه‌های انقلابی آن باعث شده تا در طوا تاریخ چهل و اندی ساله‌ی جمهوری اسلامی شاهد کشمکش‌های متعددی میان احزاب و قوای برآمده از دل انتخابات و سیاستمداران انتصابی در بدنه‌ی نظام باشیم. علاوه بر آن با تنش‌های موجود میان دسته‌بندی‌های

مختلف سیاسی و نظامی بر سر منافع جناحی نیز مواجه‌ایم. هرچند جایگاه مسلط بر تمامی این گروه‌ها از آن شخص رهبر است و نظر او فصل‌الخطاب تمامی مجادلات به حساب می‌آید، اما این نکته نیز لازم به توجه است که او نیز هرگز رویکردی دیکتاتورمآبانه در پیش نمی‌گیرد، و از این رو مفهوم جمهوری (علیرغم ماهیت خاص خود در این نظام) قادر بوده است تا همیشه دست‌کم بخشی از جامعه را در تصمیمات کلان نظام دخیل کند (Krzyżanowski, 2021).

در این بین سیستم ضداطلاعاتی روسیه به راحتی از مجادلات میان اصلاح‌طلبان و گروه‌های محافظه‌کار به منظور دمیدن در آتش تنور غرب‌ستیزی سود می‌برد و اغلب رویکردهای اصلاح‌طلبان را به نزدیکی با غربی‌ها متهم می‌کند.

● محتوای رسانه‌ای

سیستم رسانه‌ای ایران به شدت مرکزی و کنترل‌شده است که این مسئله را می‌توان با ماهیت مذهبی جمهوری اسلامی توضیح داد. رسانه در ایران نقش رواج پروپاگاندای رسمی حکومت را ایفا می‌کند و ابزاری است برای گسترش ارزش‌های اسلمی و در عین حال وظیفه‌ی مشروعیت‌بخشی به نظام حاکم و ایستادگی در برابر نشر فرهنگ‌های غربی را بر عهده دارد. قدرتمندترین دستگاه رسانه‌ای در جمهوری اسلامی سازمان صداوسیما (IRIB) است که امتیاز انحصاری تمامی برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی این کشور را در اختیار دارد و ریاست آن مستقیماً توسط رهبر جمهوری اسلامی تعیین می‌شود (Semati, 2011).

ضوابط و مقررات گوناگون محدودیت‌های شدیدی را بر فعالیت‌های رسانه‌ای وضع می‌کنند. قانون مطبوعات سال 1986 تعطیلی روزنامه و بازداشت روزنامه‌نگاران را در صورت تخطی از ضوابط جمهوری اسلامی و منافع ملی مجاز دانسته است. در نتیجه غالباً در

رسانه‌های جمعی سعی بر آن است تا از انتشار هر مطلبی که مشروعیت و قدرت روحانیون و سیاست‌های خارجی کشور را زیر سؤال ببرد پرهیز شود. یکی دیگر از وجوه نظام رسانه‌ای ایران بکارگیری کارشناسان حکومتی و نقش کمرنگ و با عدم استفاده از روزنامه‌نگاران مستقل است. برای مثال می‌توان به روزنامه‌ی کیهان توجه کرد که با تیم رسانه‌ای محدود خود عملاً خط مشی نظام را تبلیغ و توجیه می‌کند و همزمان شدیداً به نظرات و اعتراضات اپوزیسیون عمدتاً خارج‌نشین حکومت حمله می‌کند. از سوی دیگر اینترنت به رغم دسترسی بالای شهروندان کشور هم شدیداً تحت سانسور و کنترل از طریق فیلترینگ محتواست، مه همین امر دسترسی مشترکان را به اطلاعات منتشرشده در سایر رسانه‌ها با دشواری مواجه می‌کند. با این حال شبکه‌های اجتماعی و بویژه تلگرام و اینستاگرام تبدیل به کانال‌های اطلاعاتی بسیار مهمی برای شهروندان عادی و اپوزیسیون حکومت شده‌اند. البته حکومت در مواقع بحرانی همین دسترسی به اینترنت را هم برای عموم مردم با هدف پیشگیری از پیشرفت بحران قطع می‌کند. برای مثال در طول اعتراضات موسوم به آبان 98 به مدت دو روز اینترنت کل کشور قطع شد و سپس به مدت دو روز دیگر دسترسی تنها به سرویس‌های داخلی امکان‌پذیر بود و وی‌پی‌ان‌ها از کار افتاده بود، که نگارنده‌ی متن خود از نزدیک شاهد این وضعیت بود. سیستم رسانه‌ای ایران به شکل تنگاتنگی وابسته به سیاست‌های خارجی حکومت است. رسانه‌های برون‌مرزی حکومت از جمله پرس‌تی‌وی روایت‌های غرب‌ستیزانه‌ی حکومت را بازتاب می‌دهند و هدف اصلی‌شان ارائه‌ی تصویری از ایران به عنوان کشوری پیشرو و غیروابسته در جهان اسلام است (Semati, 2011).

مختصر آنکه سیستم رسانه‌ای ایران به شدت توسط حکومت کنترل می‌شود و همین امر سدی است در راه تکثرگرایی و آزادی بیان. با این وجود پیشرفت فضای مجازی از یکسو و افزایش نارضایتی‌های عمومی از سوی دیگر احتمال دسترسی به منابع اطلاعاتی جایگزین را در آینده روز به روز بالاتر می‌برد.

میزان اعتماد عمومی به رسانه‌های داخلی در ایران به شدت پایین است، که این نتیجه‌ی مدت‌ها اعمال محدودیت در حوزه‌ی رسانه از سوی حکومت و مقاومت در برابر آزادی بیان است. از نقطه‌نظر تئوکراتیک رسانه‌ها در ایران نقش اشاعه‌ی ارزش‌ها و تبلیغات حکومتی را ایفا می‌کنند، و همین امر باعث آن می‌شود تا جامعه رسانه را صرفاً به عنوان ابزاری برای توجیه سیاست‌های حکومت در جهت سانسور و کنترل افکار عمومی بشناسد و منبعی موثق برای پیگیری اخبار روز کشور و جهان (Semati, 2011). عنصر اصلی بی‌اعتمادی در این بین خود دستگاه صداوسیماست که کنترل همه‌جانبه بر محتوای منتشرشده از رادیو و تلویزیون اعمال می‌کند. صداوسیما عملاً مجری پخش روایت‌های حکومتی و حمایت از رهبری است و توجه چندانی به بازتاب مشکلات جامعه و بخصوص فساد حکومتی و یا سرکوب اعتراضات ندارد. همین رویکرد باعث شده تا ایرانیان هر چه بیشتری برای پیگیری اخبار به منابع جایگزین به‌ویژه از طریق اینترنت و شبکه‌های اجتماعی روی بیاورند (Hashemzadean, 2022). طبق آماری که در سال 2023 منتشر شد تنها 32% ایرانیان اعلام کرده‌اند که به صحت اخبار منتشرشده در صداوسیما اعتماد دارند. این میزان اعتماد در شهرها حتی پایین‌تر هم هست، به‌ویژه در میان جوانان که اقبال بیشتری به استفاده از اینترنت و خاصه تلگرام و اینستاگرام دارند (IIN, 2024). محبوبیت این شبکه‌ها به‌ویژه [به سبب نبود سانسور خبری و پرداختن به مطالب مورد علاقه و توجه افشار مختلف مردم روز به روز افزایش می‌یابد. در طول سال‌های اخیر نوع واکنش رسانه‌های ایران به اعتراضات ضدحکومتی برای بسیاری از مردم معنادار بود. این رسانه‌ها با نادیده‌گرفتن اعتراضات و یا با ارائه‌ی اخبار و روایاتی جعلی از آنچه در کشور در حال رخ دادن است به شدت مورد خشم و انتقاد قرار گرفتند. در نتیجه بخش بزرگتری از جامعه اعتماد خود را به رسانه‌های داخلی از دست دادند (Semati, 2024 – Abdi 2024 – IIN, 2024 – 2011). با اینهمه اما هنوز بخشی از جامعه بویژه [در روستاها

و مناطق کمبرخوردار بواسطه‌ی دسترسی دسوار به اینترنت پرسرعت همچنان اخبار خود را از طریق رسانه‌های داخلی دنبال می‌کنند.

مختصر آنکه میزان اعتماد به رسانه‌های داخلی ایران به حد قابل ملاحظه‌ای پایین است، و انتظار می‌رود با فراهم‌تر شدن روزافزون منابع مستقل اطلاعاتی و خبری در اینترنت این محبوبیت حتی بیش از پیش کاهش بیابد. هرگونه تغییری در این وضعیت مستلزم اعمال اصلاحاتی اساسی در نظام رسانه‌ای و بویژه توجه به کثرت‌گرایی و احترام به اصل آزادی بیان است.

4. ابزار و تکنیک‌های ضداطلاعاتی روسیه در ایران

روسیه از ابزار و روش‌های گوناگونی برای رواج ضداطلاعات خود در ایران به منظور پیشبرد استراتژی‌های خود از جمله تشدید میزان تأثیرگذاری‌اش در منطقه، تضعیف موقعیت غربی‌ها و ایجاد و حفظ رابطه‌ای پایدار با ایران بهره می‌برد. عملیات ضداطلاعاتی روس‌ها در ایران برآمد استراتژی‌های گسترده‌ای هستند که عناصر فرهنگی، سیاسی و حوزه‌های فناوری را دربرمی‌گیرند. یکی از ابزارهای مهم روس‌ها برای این منظور رسانه‌هایی مانند اسپوتنیک هستند. چنین رسانه‌هایی بر نقاط مشترک حائز اهمیت برای دو طرف از جمله محکوم کردن تحریم‌های آمریکا و یا فعالیت‌های ناتو و نیز رواج ارزش‌های غربی در جامعه تمرکز می‌کنند. با این حال روسیه از شبکه‌های اجتماعی نیز برای فعالیت‌های ضداطلاعاتی خود کمال بهره را می‌برد. آنها با کمک بات‌ها و حساب‌های جعلی حجم گسترده‌ای از مطالب آمریکا و اسرائیل‌ستیزانه را رواج می‌دهند که این موضوع کاملاً مورد پسند قشر محافظه‌کار ایران است. محیط‌هایی چون تلگرام و اینستاگرام که در ایران از محبوبیت بالایی برخوردارند جلوه‌گاه این نبرد اطلاعاتی هستند. روس‌ها اغلب به تلاش‌ها و تجربه‌های مشترک خود با

ایران در مبارزه با استکبار آمریکا و نیز وقایع تراژیک تاریخی بخصوص تا پیش از انقلاب سال 57 می‌پردازند. چنین مطالبی با هدف روشن‌کردن منافع و تهدیدات مشترک میان دو کشور و تثبیت رویکردی متمایل به شرق تولید می‌شوند (Semati, 2011). نکته‌ی مهم اما این است که خود روس‌ها هم در وقایع تاریخی متعدد در ایران نقش داشته‌اند، از جمله در اشغال شمال ایران به دست نیروهای شوروی. مخالفان نزدیکی ایران و روسیه بر همین نقاط دست می‌گذارند، و نیز بر کوتاهی روس‌ها در ساخت و تکمیل نیروگاه اتمی بوشهر و یا در انتقال سامانه‌های دفاعی اس-300 یا هواپیماهای اس-35 تأکید می‌کنند.

روسیه همزمان بر روی برنامه‌ی هسته‌ای ایران مانور زیادی می‌دهد و به کرات از حق مسلم ایران در بهره‌مندی از انرژی اتمی دفاع کرده، و در عین حال غرب را مسئول تنش‌های منطقه‌ای اعلام کرده است. این رویکرد با هدف تقویت و افزایش همکاری‌های روسیه و ایران در حوزه‌ی تکنولوژی‌های پیشرفته اتخاذ شده است. یکی از عناصر مهم استراتژی ضداطلاعاتی روس‌ها در این موضوع زیر سؤال بردن اعتبار اخبار رسانه‌های مستقل و واحدهای غیردولتی فعال در حوزه‌ی رسانه‌ای ایران است (که الزاماً همگی در خاک ایران مستقر نیستند). بنابر روایت‌های روسیه این قبیل رسانه‌ها دست‌نشانده‌ی غربی‌ها و یا حتی وابسته به سرویس‌های اطلاعاتی آنان هستند و به همین دلیل صرفاً اهداف خاص سیاسی خود را دنبال می‌کنند.

بطور کلی ابزار و تکنیک‌های ضداطلاعاتی روس‌ها در ایران بسیار پیچیده است و همزمان از شیوه‌های سنتی و مدرن اطلاعاتی و رسانه‌ای بهره می‌برد. فعالیت‌های آنها نیز با هدف ایجاد شریکی استراتژیک در تهران و همزمان تضعیف نفوذ غربی‌ها در منطقه صورت می‌گیرد.

5. تحلیل دستاوردهای دروغ‌پراکنی

● دستاوردهای سیاسی دروغ‌پراکنی

نظام ضناطلاعاتی روسیه بواسطه‌ی اتحاد تاکتیکی دو کشور تأثیر کمی بر ثبات سیاسی در ایران می‌گذارد، و بیشتر بر محرک‌هایی تمرکز دارد که ذات تمامیت‌خواهانه‌ی حکومت را تقویت می‌کند. یکی از دستاوردهای این استراتژی افزایش روزافزون غرب‌ستیزی در اظهارات مقامات بلندپایه‌ی این کشور است که روس‌ها با رواج موضوعاتی چون "تهدیدات امپریالیسم" آمریکا و ناتو این کار را با مهارت تمام انجام می‌دهند. این قبیل تبلیغات بیش از همه سیاست‌های غرب‌ستیزانه‌ی حکومت ایران را توجیه می‌کند، مانند پافشاری بر پیشبرد برنامه‌ی هستی و نیز ایستادگی در برابر تلاش‌های دموکراسی‌خواهانه‌ی داخلی که خواهان لیبرال‌سازی سیاست خارجی ایران هستند.

نظام ضداطلاعاتی ایران همچنین فضای اطلاعاتی ایران را نیز دچار اختلال می‌کند، که همین خود منجر به رشد بی‌اعتمادی در جامعه می‌شود. انتشار عامدانه‌ی اخبار متناقض باعث ایجاد گمراهی و سخت کردن راستی‌آزمایی اخبار می‌شود. این دست فعالیت‌ها شکاف بین گروه‌های مختلف جامعه ایجاد کرده و رسیدن به یک وحدت نظر در مورد اخبار وقایع مختلف را ناممکن می‌سازد. وجه مهم این فعالیت‌ها نیز آنست که در نهایت با چیرگی روایت مدنظر حکومت منجر می‌شود. روسیه می‌کوشد ایده‌ی همکاری قدرت‌ها را به عنوان تنها جایگزین مطمئن دموکراسی غربی رواج دهد. این کار به سرکوب مخالفین از سوی حکومت ایران مشروعیت می‌بخشد (Semati, 2011). از سوی دیگر دروغ‌پراکنی‌های روسیه منجر به افزایش کشمکش میان تصمیم‌گیرندگان سیاست‌های کلان ایران شده است، بویژه در میان حامیان و مخالفان نزدیکی به روسیه (Morandi, 2024). دستاورد بلندمدت روسیه از این انتشار ضداطلاعات را می‌توان انزوای سیاسی روزافزون ایران در صحنه‌ی بین‌المللی دانست

که همین امر احتمال ایجاد اصلاحات اساسی و تلاش برای نزدیکی با غرب را تا حد بسیار زیادی پایین می‌آورد. ادامه‌ی این وضعیت بحران اقتصادی و اجتماعی را در ایران عمیق‌تر می‌کند.

به اختصار، سیستم ضداطلاعاتی روسیه در ایران تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر تحکیم مدل حکومتی مبتنی بر قدرت در ایران و نیز شکاف‌های اجتماعی و سیاسی درون این کشور داشته است. بدین شکل روسیه از طریق حصول اطمینان از ثبات سیاسی در ایران منافع خود را در منطقه دنبال می‌کند.

● نتایج اجتماعی ضداطلاعات

مسکو از طریق انتشار روایت‌های جعلی متعدد تلاش می‌کند بر جامعه‌ی ایرانی تأثیر بگذارد و نظرات عمومی موافق روسیه را در منطقه گسترش دهد.

● تأثیرات بر مسائل سیاسی

در حوزه‌ی سیاست نظام ضداطلاعاتی روسیه بیش از همه بر سر موضوع غرب‌ستیزی متمرکز است. رسانه‌های حکومتی روسیه از جمله آرتی و اسپوتنیک بطور قابل ملاحظه‌ای آمریکا و غرب را تهدیدی بزرگ برای استقلال ایران معرفی می‌کنند. برای مثال می‌توان به کارزار رسانه‌ای حول موضوع تحریم اقتصادی اشاره کرد که در آن روسیه خود را چون شریکی پایدار کنار ایران در مبارزه با سلطه‌گری غربی‌ها معرفی می‌کند (Rahimi, 2015). این قبیل تبلیغات انزوای سیاسی ایران را توجیه می‌کنند و در عین حال تلاش‌ها برای هرگونه همکاری با غرب را ناکام می‌گذارند. ایران سال‌هاست که شاهد تنش و جدال‌هایی مابین بخش محافظه‌کار حکومت و مخالفین داخلی‌شان است که درصدد ایجاد اصلاحات و دادن آزادی‌های

اجتماعی بیشتر به شهروندان و کمتر کردن دخالت دولت در امور شهروندان جامعه هستند. دروغ‌پراکنی‌های روسیه به خوبی در این جدال‌ها ورود می‌کند و از طریق انتشار روایت‌های دروغ در باب تحرکات و برنامه‌ی غربی‌ها در منطقه نقشی فعال در آن ایفا می‌کند. روسیه ایالات متحده و هم‌پیمانانش را جدی‌ترین تهدید برای استقلال و تمامیت ارضی ایران می‌شناساند که این مسئله به توجیه رویکرد محافظه‌کاران حکومت کمک شایانی می‌کند. در عین حال خود حکومت نیز از چنین روایاتی به نفع خود بهره‌برداری می‌کند و با تبلیغ برنامه‌ی غربی‌ها برای نفوذ و دخالت در امور سیاسی ایران سرکوب مخالفین خود را توجیه می‌کند و مانع ایجاد اصلاحات دموکراتیک در کشور می‌شود. سیستم ضداطلاعاتی روسیه همچنین تلاش‌های آزادی‌خواهانه‌ی ایرانیان را به جنگیدن در جبهه‌ی غربی‌ها و دنبال کردن منافع آنان متهم می‌کند. این نوع تبلیغات ب این هدف صورت می‌گیرد که اقشار مختلف جامعه به این معترضان و رفرمیست‌ها به مثابه‌ی خائنین به منافع ملی در نظر بگیرند، و در نهایت فضای جامعه را بیش از پیش چندقطبی سازد و حرکات اصلاح‌طلبانه و رفرمیستی جامعه را کاهش دهد.

● تأثیرات بر مسائل مذهبی

در حوزه‌ی مذهب سیستم ضداطلاعاتی روسیه به شکلی ماهرانه از شکاف‌ها و اختلافات مذهبی موجود در جهان اسلام بهره می‌برد. روسیه به کرات ایده‌ی اتحاد میان مسلمانان اهل تشیع با مسیحیان ارتودکس را در مقابل جبهه‌ی متحد غرب و اهل تسنن مطرح می‌کند (Semati, 2011). روسیه همچنین روایت‌هایی جعلی در باب جنگ سوریه منتشر می‌کند که بر طبق آن حضور روسیه در آن کشور با هدف حفاظت از حقوق اقلیت‌های مذهبی سوریه است که البته با نظر بسیاری از ایرانیان نیز همخوانی دارد. چنین رویکردی باعث تقویت این

نظریه می‌شود که روسیه در راه دفاع از ارزش‌های مذهبی یک شریک طبیعی برای ایران است، و غرب دشمنی فاسد و رو به افول.

به اختصار، دروغ‌پراکنی‌های روسیه در ایران وجوه بسیار گسترده‌ای از جامعه را هدف قرار داده است، از سیاست گرفته تا مذهب و هویت ملی. مسکو با رواج پروپاگاندای ضدغربی و روایت‌های جعلی درمورد جنگ سوریه بر آنست تا مدل حکومتی مبتنی بر ابراز قدرت را در ایران هرچه شدیدتر نماید و صداهاى مختلف را از درون بخواباند. این دست فعالیت‌ها منافع کوتاه‌مدت روس‌ها را برآورده می‌کنند، اما در عین حال منجر به عمیق‌تر شدن شکاف‌های داخلی و بی‌ثباتی در ایران می‌شود.

● دستاوردهای بین‌المللی / منطقه‌ای

نظام ضداطلاعاتی روسیه در این کشور چه تأثیرات بین‌المللی‌ای دارد؟ آیا بر افزایش تنش میان این کشور با برای مثال آمریکا و اروپا و نیز کشورهای منطقه هم تأثیرگذار است؟

نظام ضداطلاعاتی روه در ایران از تأثیراتی محدود اما تعیین‌کننده در روابط بین‌الملل برخوردار است، بخصوص در موضوع تنش‌های مذهبی و رقابت قدرت‌های جهانی در این منطقه. روسیه بواسطه‌ی گسترش فعالیت‌های خود بر آنست تا حضورش در خاورمیانه را تقویت کند و نیز رویکرد ایرانیان بر قدرت‌های غربی را به شکلی مطلوب خود تغییر دهد (Rodkiewicz, 2020). این ضداطلاعات بیش از همه شامل افزایش بی‌اعتمادی به آمریکا و رواج تئوری‌های توطئه در رابطه به علل وضع تحریم‌ها بر ایران می‌شود (Weiss, 2021). سیستم ضداطلاعات روسیه همچنین بر تنش‌های منطقه‌ای نیز تأثیرگذار هستند، از جمله در سوریه جایی که روسیه و ایران دوشادوش هم در دفاع از حکومت بشار اسد همکاری می‌کنند

(Tan, 2022). کرملین با توسل به این دروغ‌پراکنی‌ها بر آنست تا روابط استراتژیک خود را با تهران حفظ و تقویت کند، و همزمان حضور ایالات متحده در منطقه را نیز کمرنگ کند. این دست فعالیت‌ها گفت‌وگوهای بین‌المللی و همکاری‌های میان کشورها در موضوعات روز جهانی را با دشواری روبرو می‌کند، بویژه در موضوع برنامه‌ی هسته‌ای ایران. سیستم اطلاعاتی روسیه همچنین بر این مهم که روسیه شریک راهبردی ایران محسوب می‌شود پافشاری می‌کنند که همین امر نیز دستیابی به یک وفاق جهانی بر سر موضوع هسته‌ای ایران را دشوار می‌کند. این وضعیت متعاقباً منجر به ایجاد حالتی تنش‌زا و تعمیق چندقطبی‌های منطقه می‌شود (Galeeva, 2024).

در موضوع ایران-آمریکا سیستم اطلاعاتی روسیه شدیداً بر راه‌های کاهش تأثیر و حضور آمریکایی‌ها در منطقه تمرکز می‌کنند. روایت‌های مختلفی در این باب مطرح می‌شوند، از جمله احتمال تمایل آمریکا به انجام عملیاتی نظامی در خاک ایران و تأکید بر تحرکات نظامی آن کشور، و در عین حال از نقطه نظرات آمریکاستیزانه‌ی داخل کشور حمایت می‌کنند. بعلاوه روسیه می‌کوشد تا خود را شریک ایران در مبارزه با "استکبار غرب" بشناساند، و به این طریق نقش و جایگاه آمریکا در فرآیند صلح‌آمیز مذاکرات هسته‌ای را به حاشیه براند.

در موضوع روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا شکاف میان اعضای اتحادیه‌ی اروپا بیش از همه پررنگ می‌شود. کرملین از تحریم‌های وضع‌شده‌ی اتحادیه‌ی اروپا علیه ایران نهایت بهره‌برداری را انجام می‌دهد و بر "خودخواهی" اروپاییان و دنباله‌روی آنان از سیاست‌های آمریکا تأکید می‌کند. در نتیجه حصول سیاستی واحد در برابر ایران با دشواری روبرو می‌شود، خاصه در رابطه با موضوع هسته‌ای ایران. روسیه همیشه می‌کوشد تا ایران را از نظر اقتصادی و سیاسی به خود نزدیک‌تر کند و در این راه اهمیت برخورداری از شرکای اروپایی را برای ایران زیرسؤال می‌برد.

در حوزه‌ی مسائل مربوط به خاورمیانه سیستم ضداطلاعاتی روسیه بر اختلافات میان ایران و دیگر رقبای منطقه بویژه عربستان سعودی و اسرائیل تمرکز می‌کند. شایع‌ترین روایت در این خصوص آن است که آمریکا در حال ایجاد ائتلافی منطقه‌ای علیه ایران است که این روایت بی‌اعتمادی میان کشورهای منطقه را هرچه شدیدتر می‌کند. روسیه به این شکل تأثیر آمریکا را در منطقه کاهش می‌دهد و همزمان خود را به عنوان یک "میانجی‌گر بی‌طرف" که قادر است تا مسائل موجود را حل و فصل کند معرفی می‌کند (Rumer, 2024).

مختصر آنکه سیستم ضداطلاعاتی روسیه به تنش‌ها میان ایران و اروپا و آمریکا و همچنین کشورهای خاورمیانه شدت می‌بخشد. نتیجه‌ی این فعالیت‌ها دشوارتر نمودن برقراری گفت‌وگوهای بین‌المللی، برخاستن آتش درگیری‌های منطقه‌ای و افزایش تأثیر روس‌ها به قیمت بر هم ریختن ثبات جهانی است، هرچند که تأثیر روسیه در این تنش‌ها چندان کلیدی به حساب نمی‌آید.

